

پایند ایران



کتابنامه

حزب پان ایرانیست

نوشته - محمد رضا عالی تهرانی

پابنده ابران

باهتمام سرور کمپانی

هفت پیمان

حزب پان ایرانیست

نوشته: سرور عاملی تهرانی

۳۱۳۲۵

سر آغاز

پاینده ایران

ای آفریدگار پاك، ترا پرستش میکنم و از تو یاری
میجویم برای پایداری و سرافرازی میهن پر افتخار خود،
برای پایداری سرزمینی که نخستین جایگاه شناسائی تو و
گهواره زندگی مردمان برگزیده تست، برای سرافرازی و
پیروزی ملت بزرگوارم که همیشه وفادار به تو و راه راستی
بوده است.

نیایش میکنم ترا، ترا ای نگهدار مرز و بوم ایران
کهن، پایدار ساز سرزمین نیاکان مرا، سرزمینی که نور و
دانش و بیش بر دنیای تاریک و سیاه باشید، سرزمینی که
خانه نیاکان، خویشان و دوستان منست، آنها که راه
راستی و سروری برگزیدند با راهی که راه تو و سروری که
از آن پویندگان راه تست.

تا دنیا پیاست، تا زمین میگردد، تا خورشید میفرزد
تا ستاره ها بر سینه آسمان میدرخشد میهن بزرگ مرا ییروز
و کامیاب کن، مرزهای میهن مرا از گزافن نیروهای اهریمنی
دوربدار از بلندی کوههای مرز و بوم قفقاز تا دور افتاده ترین

کرانه های بحرین ، از دامان آمو دریا تا کناره های دجله
خروشان کف آلود .

پروردگارا پاینده دار این سرزمین پاک نیاکانرا
سوگند بتو خدای بزرگ ایران ، من نیز راه ترا
میپویم ، راه نیاکان خود را ، راه دوستان وفادار ترا تا خون
در بدن دارم ، تا قلب در سینه می تپد برای پایداری و
سرافرازی مرزوبوم تو و پیروزی راه راست تو ای آفریننده
بزرگ میکوشم میهن پر افتخار من گهواره فرهنگ ابدی تست .
برای بزرگی و استواری این سرزمین میکوشیم
تا جهان تیره و خاموش نگردد .

یکتا کردگار توانا ، میدانم فرمان تو خواست جاوید
ملت منست ، میدانم اگر ایران نباشد نامی از تو و آئین
پیروزمند تو نخواهد بود ، پس من که یکی از مردمان این
سرزمین میباشم ، من که پرورده این خاک باشکوه هستم
از راه تو که راه بزرگی و پایداری ملت منست هیچگاه
روی نمیتابم .

پروردگارا اینست همیشه خواست من :

ایران سرافراز در جهان جهان بایران سرافراز

پاینده ایران

آینده

ویژه سماد حزب

بار دیگر درفش ایران
سایه گسترشود به کیهان
پرچم بر شکوه میهن
سرفرازد دگر بر کیوان
باز ای وطن مشعل دودان گیری
بر سرای جهان سایه ایران گیری
دوره بندگی سرآمد
کو کب زندگی برآمد
زندگی باشکوه و شوکت
سوی ما بار دیگر آمد



گر بیارد گلوله بر سر
میگذاریم قدم فراتر
ما جوانان بنام میهن
سر سپاریم در این ره یکسر
تا خون ما در بدن جریان دارد
دشمن ای وطن کی امان از جان دارد
حزب بان نداد دهنده
دشمنان را زبیا فکنده
بانک ایران جهان بگیرد
چون گذشته شود آینده

پرچم

ای پرچم جاوید ما
بر بیشه شیر ژبان
ای پرچم گل گون ما
بر قله جبال هندو کش
تا مه بتابد بر ایران پیا
بر سر زمین هنر جاودان
هم رنگ و هم نشان خون ما
پایدار بود کنار رود کورش



سایه فکن بر خاک ما
بر دجله فیروزه گون
ای پرچم پر افتخار
در صحنه نبرد ما به پیش
بر تاجیکستان و بحرین پیا
بر سنده زیبا و هم رنگ خون
بین دشمنان نموده تار و مار
اهتزاز تو ببینیم بر ز خویش

بحرین

بنگری زود ، بنگری زود ، شام هجران سحر گشته بحرین
کشور من ، خیزد از تو - و - وی محبوب برگشته بحرین
تا که خون در بدن هست و از بهر ما
جان کنیم برای وی فدا ، فدا ، فدا



بندگی دیگر نه آید ؛ ملت زنده خواری نشاید
حق از دست رفته خویش ، کشوری گرنگ یزد نباید
تا ز قید اسارت کنیمش رها
جان کنیم برای وی فدا ، فدا ، فدا

قفقاز

از برای باز گشتنش جان کنیم هدا	باز خواهد گشت قفقاز ما
باز گردد باز سرزمین ما	افتخار ما مرز آسیا
تر کمن چای داده قفقاز دست دشمنان	ایرانیان ای برادران
تا که بر گردد این مرز و بوم	با خون بشوی این عهدشوم
دارد امید باز گردد قفقاز ما	بعد از خدای ایران بما
از بهر قفقازت پیش رو	ایران نو با نظم نو
سر بیاید اینرمانت دور بندگی	قفقاز ما شادان بزی
ایرانیان را آرزوی توست	چشم وطن برسوی توست
تا که گردد ایران ز نو بر تر از جهان	قفقاز ما آماده مان
بیا برایت مرگ بیا زندگی	تا رهاندت از بندگی

افغان

هم وطن - هم وطن - هم وطن - هم وطن -
بکسلان دیگر بند بندگی از نو بر آور بانک زندگی
ز چه چنین تو هستی دور ای افغانی از چه کشتی مهجور
یک نژاد یک زبان هر دو شیر زیبان
زینسپس باید شد هماهنگ بسوی دشمن از بهر جنک
همه فرزند نادریم همه با یکدیگر برادریم
همان پیار و بهما رستخیزی نه ما
بشنو افغانی اینرا ز نهان کی تو انبودن جداتن و جاز
نه این ایران نه آن افغان بدون هم زندگی نتوان

فردای ما

خیز و سر کن دوره رنج و سختی روزگار ضعیف و باس و بد بختی
هر که باشد دشمن ما ، افکنیمش آخر از پا ؛ بهر انتقام
بر کشیم ماروزی تیغ خود از نیام تا نماید صبحی از پشت تیره شام

۲

باش و تایینی که قفقاز با ما شد پرچم ایران در بحرین بر باشد
سوزد آخر کینه ما ، خرمن عمر عدورا ؛ بهر حفظ نام
بر کشیم ماروزی تیغ خود از نیام تا نماید صبحی از پشت تیره شام

۳

بشتو از مسا گفته نهائی را هر که خواهد بین ما جدائی را
بهر او اینراز و بر گو ، باید از سردر کند او ؛ اینخیال خام
بر کشیم ماروزی تیغ خود از نیام تا نماید صبحی از پشت تیره شام

۴

چون نباشد قلب ما از کس ترسان افتخار آسان بدست آید آسان
پرچم ما سایه گستر ، بر فلات از پایه تا سر ؛ بین تو اهتمام
بر کشیم ماروزی تیغ خود از نیام تا نماید صبحی از پشت تیره شام



انتقام

ایرانی بکوش بهر تجدید نام
بگیر از همه دشمنان انتقام

تو سرور بدی در جهان یک زمان
نداشتند دشمنان زدستت امان

کجا رفته قفقازی جان تو
از مادر جدا شد افغان تو

توهم فرزند نادر و کورشی
بهر آب و خاکت نما کوششی

بحرین رفته از دست تو هم وطن
شده تجزیه مرز و بوم کهن

پیا خیز و رو سوی مرزت نما
ز قید اسارت خاکت را رها

چو شیرزیان پیش تا مرز خویش
بادشمن چنان کن که گردند باتو پیش

توهم فرزند نادر و کورشی
بهر آب و خاکت نما کوششی



بیداری ایران

ایران - ایران برتر از همه - برتر از همه

هم نژاد ما سرور همه - سرور همه

شو بیدار شو بیدار همتی بیار

خون تو نژاد تو ز هر چه برتر است

کوشش سرشتی از عالی سر است

میهن - میهن تاج آسیا - تاج آسیا

ای فلات پاک افتخار ما - افتخار ما

کو قفقاز - کو افغان - ای برادران

سر زمین رود کی جدا ز مادر است

بهر چه مدائنت خرابه بکسر است

ایران ایران برتر از همه

هر جا بر پا ای نژاد پاک - ای نژاد

تا نهد جهان - سر برد بخاک - سر برد بخاک

هان برخیز - هان برخیز - بهر رسته خیز

این کلاه بندگی نه لایق سر است

در خور شهبان همیشه تاج و افسر است

قفقاز افغان - ماوراء نهر - ماوراء ونهر
 مردمان هر کوه دشت و شهر - کوه و دشت و شهر
 پیش آئید پیش آئید - متحد شوید
 این یگانگی شکست دشمنان ماست
 فتح و افتخار هم میهنان ما است
 ایران ایران بر تر از همه
 آئید با هم چون آذرخش - چون آذرخش
 مردم فلات زیر یک درفش - زیر یک درفش
 قفقازی افغانی ای بلوچ و کرد
 دور تنگ و بندگی چنین سر آوریم
 دشمنان بزیر پا همه در آوریم
 این است بانگ جنگ و زندگی جنگ و زندگی
 بانگ ختم دور بندگی دور بندگی
 میخواهیم - میخواهیم با همین شعار
 میهن بزرگ ما بزیر یک اوا
 ملک سترک ما همیشه در بقاء
 ایران ایران بر تر از همه بر تر از همه



خروش ایران

ایران کشور کورش و داریوش
که دشمن شده از نهیبش خموش
ایران وارث تاج و تخت کیان
ایران سر زمین شهان و مهان
ایرانی بکوش در جهان تا توان
شوی از همه بر تر و کامران

☆☆☆

ایران جاودان زی و پاینده مان
که ما در رهت سر بیازیم و جان
سر افرارزیت را بژوهنده ایم
ز جان و دلت ما پرستنده ایم
ایرانی بکوش در جهان تا توان
شوی از همه بر تر و کامران

شعار ما

گر بخاطر تو کشته کردم ای وطن
باشد این هم آرزوی آخرین من
جان و مال و افتخار من توئی وطن
خرمی نشد بدون تو برای من
زدل و جان کوشیم در ره عزت
همه سر می بازیم در ره شوکت
که همین باشد از بهر مام وطن
بهر کجا شعار ما

فردوسی

دگر باره بر صفحه روزگار شود نام ما همراه افتخار
جزایرانی ایران نماند بکس زیزدان مرا خواهش اینست و بس

بگفتار فردوسی پا کزاد

چو ایران نباشد تن من مباد

اگر حاصل از زندگی بندگی است

مرا مردن آسانتر از زندگی است

جهان گر بنازد به ایران رواست

هرین ملک خود سروری را سزااست

بگفتار فردوسی پا کزاد

چو ایران نباشد تن من مباد

فزون دیده این ملک بیداد و کین

ز اعراب و اسکندر و روم و چین

نیفتاده از پا پلنگان آن

نه بر خاک زانوی مردان آن

بگفتار فردوسی پا کزاد

چو ایران نباشد تن من مباد



هفت پیمان... هفت پیمان به هنگام پایان یافتن جلسات
عمومی حزبی یا لیرو قرالت می‌گردد باین ترتیب که افراد
همه پا می‌خیزند و يك نفر هفت پیمان را می‌خواند و هنگامی که
بگامه «ما» می‌رسد دست راست خود را بلند می‌کند کلیه
حاضرین در جلسه نیز در اینموقع دست راست خود را بلند کرده
یکصدا میگویند ما

حزب پان ایرانیست

هفت پیمان

پاینده ایران

کیست؟ کیست؟ که پیمان بسته است با خدای خود
با خون خود که مام میهن را تا واپسین دم پاس دارد. مرزها
را از گزند اهریمنان در امان همه جا، آنجا که کوههای قفقاز
سرب آسمان کشیده اند و آنجا که کفهای خروشان کرانه‌ها
برهم می‌لغزند. آنجا که کوهساریان، هندو کش بر دورنمای
دره سند مینگرند و آنجا که کردان گرد، تیسفون تاریخی
را در بر گرفته اند کیست؟ کیست؟ که میهن زیبا و بزرگ
خود را همه و بکجا از دشمنان خواهان است؟ ما
کیست؟ کیست؟ که بر آئین آزادگی بتاریخ خویش

برترین فرهنگم - ارا آفریده و بر آئین انتقام دشمنان ملت
خویش را خوار و ناچیز ساخته .

کیست ؟ امروز از میان دشمنان ، اهریمنان با بانگ
انتقام . با قلبی پر امید پیش میرود بسوی زندگی سرافراز ،
بسوی عظمت و سروری ؟

کیست ؟ که در انبوه بیگانگان ، خائنان ، خواب
رفتگان فریاد بر میدارد : انتقام ، انتقام ، انتقام ؟ ما

کیست که پاس میدارد خانواده را و آئین خانواده را
آنجا که مهر ، ورجاوند پایه استوار بنیای ملت را شالوده
ریخته ، آنجا که مهر آدمیان را مردمی و مردانگی آموخته
آنجا که مهد پاکدامنی و پرورشگاه میهن پرستان است .

کیست که آئین خدای خانواده را میستاید ؟ ما

ایران - ایران - ایران - ای کشور آریان . نامت
بجاست و مهرت در دل ما ، بدبخت تر از خائن تو اهریمنی
نیست ، خوشبخت تر از سرباز تو ، شهید تو ، کیست ؟

شاد باد ، شاد باد ، شاد باشید ای شهیدان راه ایران
که بقرنها در دل دشتها ، کوهها و دریاها میهن بخون خود

کفن پوشیده و خفته اید . نام شما و یاد شما افتخار ماست و
درس زندگی ما .

کیست که برترین آرزوی خود را شهادت در راه
ایران میداند؟ ما

دشمن ، ما بتو آبادانی آموختیم ، تو میهن ما را ویران
کردی زیرا ویران کردن خصلت تو و آباد ساختن سرشت
ما ایرانیان است .

اینک آماده گشته ایم بجنگ تو، براه آزادی خویش
تا بر آوریم برترین آبادانیها و فرهنگها را .

کیست براه ما - بزم - براه آزادی براه آبادانی -
براه فرهنگ؟ ما

ما جنگ را پذیره ایم تا هستی هست ، زیرا که
بجنگ هستی هست .

کیست که ایمان دارد که نه آزادی و نه خانواده و نه
زندگی پیاست .

آنجا که یست آمادگی برای جنگ . ما

خدایا نرهنك ما با نام تو پدید آمد . خانواده های ما

تو را ستایش کردند و تو میهن ما را از گزند اهریمنان
نگهداشتی .

کیست که پیمان میکند با خدای خود تا :

بستاید خانواده را ؟ ما

جانبازد برای ایران؟ ما

باسدارد فرهنگ ایران را؟ ما

پاینده ایران

۳۱۱۴

ماجناک اندرہ ایم نامہ مستی
زیرا کہ حکماک مستی مستی

کلیہ حقوق محفوظ

بہاء ۵ ریال